

متن پرسش

سلام علیکم استاد گرامی: و با عذرخواهی از تصدیع اوقات ارزشمند حضرت عالی. جسارتا می خواستم در صورت امکان عنایت فرمایید و مقصود این دو بیت از حضرت حافظ به خصوص مصرع دوم و چهارم را برای بنده توضیح فرمایید: دیگر ز شاخ سرو سهی بلبل صبور / گل بانگ زد که چشم بد از روی گل به دور / ای گل به شکر آن که تویی پادشاه حسن / با بلبان بی دل شیدا مکن غرور با تشکر از امتنان تان و التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: سالک باید متوجه باشد اگر نظرش را از کثرات پاک نگرداند نمی‌تواند به انوار الهی نزدیک شود و این را بلبل صبوری که خود گزارشگر زیبایی‌هایی است که دیده، می‌گوید که محمد و آل محمد «علیهم‌السلام» می‌باشند. و از این جهت حافظ از انوار الهی تقاضای اغماض می‌کند که اگر چشم و نظرش هنوز در نظر به حقیقت زیبایی‌هایشان پاک نشده به او سخت‌گیری نکنند و از رؤیت و مشاهده، محرومش ندارند و همین امر که سالک از یک جهت نظر به نقص خود داشته باشد و از جهت دیگر تقاضای رحمت واسعه، کارساز است. موفق باشید